

## بررسی شفاعت از دیدگاه اسلام و وهابیت<sup>۱</sup>

چکیده

شفاعت به آن نظر خاص و دعاوی گفته می شود که از طریق اشخاص و اولیای خاص به کار گرفته شود. این مسئله از مهم ترین مسائل قیامت محسوب شده که برای تایید آن هم بسیاری از آیات قرآن و هم روایات و سخن معصومین (علیه السلام) وارد شده است. زیرا اگر شخصی در مرحله ای از زندگی و امور عبادی به خطا رفته و قصد بازگشت دارد، نا امید نشده و با شفاعت ائمه در محضر پروردگارش روسفید باشد. در نتیجه قرآن کریم اولیاء و انبیاء را شفیع معرفی کرده است. شفاعت فلسفه و حقیقت خاص خود را دارد که باید آن را به طور صحیح شناخت تا دچار شباهه و تردید نشده باشیم. بر این اساس ماهیت این پژوهش با روش نقلی - وحیانی است با کمک منابع کتابخانه ای به توصیف مسئله شفاعت در دین اسلام و وهابیت می پردازد. به این منظور تحت عنوان مفهوم شناسی شفاعت، آیات و روایات مختص به شفاعت، فلسفه و حقیقت شفاعت و بیان شباهات و پاسخ به آن در این حیطه بررسی می گردد.

کلید واژه: اولیاء، شفیع، شفاعت، واسطه.

<sup>۱</sup> - جمیله دهقانی، حوزه علمیه معصومیه

مقصود از شفاعت واسطه شدن یک مخلوق میان خدا و دیگر مخلوقات برای رساندن خیر یا دفع شر در دنیا و آخرت است که البته فقط با اجازه خداوند این مسئله اتفاق می‌افتد. پیشینه، مسئله شفافیت و شفیع شدن برای بندگان از سوی خداوند قرار داده شده و با راضی بودن از بندگانش و وجود شرایط و ضوابط ائمه معصومین (علیه السلام) شفیع هستند و در زبان اسلام این مسئله بروز پیدا کرد. زیرا از ضروریات اعتقاد شیعه است.

بنابراین برای هضم بهتر مسئله شفاعت و شناخت آن در تمامی ادیان و سلوک باید ابتدا فلسفه و حقیقت شفاعت را شناخته و با شرایط و حدود آن آشنا شده به گونه‌ای که بتوان واقعیت شفاعت را از شببه و شک در این حیطه تمییز داد. هم چنین بصیرت لازم را به دست آورد تا بتوان پاسخ صحیح شباهات در زمینه شفاعت را بیان کرد.

## ۱-مفهوم شناسی

شفاعت در لغت از ماده «شفع» است. به معنای جفت شده با چیزی و پیوستن و ضمیمه شدن چیزی است به همانند خود.(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۵۷)

در اصطلاح به معنای حائل شدن برای رفع ضرر از کسی و یا رساندن منفعتی به او است. در واقع شناخت صورت عینی و ملکوتی روابط معنوی در این جهان معنا می کند.(مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۵۲) (دهدخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۳۶)

این است که در روز قیامت اولیای الهی در حق گروهی از گناه کاران شفاعت کرده و آنان را از عقاب جهنم نجات می دهند.(رضوانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۴۲)

## ۲-شفاعت در قرآن

اعتقاد ما در باب شفاعت این است که آن حق است و شفاعت برای کسی است که خدا دینش را پسندیده باشد از صاحبان گناهان کبیره و صغیره، و اما توبه‌داران از گناهان محتاج به شفاعت نیستند.

خدای متعال در قرآن کریم می فرماید: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ... () ... يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛ روزی که در صور دمیده شود ... () ... در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نبخشد مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است». (طه، آیه ۱۰۹-۱۰۲)

در جایی دیگر می فرماید: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا؛ آنان هرگز حق شفاعت ندارند، مگر کسی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی دارد». (مریم، آیه ۸۷)

در آیه ای از قرآن آمده: «... عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا؛ ... امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش [مقام شفاعت] برانگیزد». (اسراء، آیه ۷۹)

در جایی دیگر خداوند می فرمایند: «... لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَشِيتِهِ مُشْفَقُونَ؛ ... آنان [بندگان شایسته] جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی‌کنند. آنان از ترس خدا بیمناکند». (انبیا، آیه ۲۸)

در آیه ای از قرآن آمده است: «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهُوَا وَ لَعِبًا وَ غَرَّهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا ... () ... يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُ الَّذِينَ نَسُواهُ مِنْ قَبْلٍ قَدْ جَاءَتِ رُسُلٌ رَبُّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُونَا لَنَا ...؛ آنان که دین خود را بیهودگی و بازیچه گرفتند؛ و زندگانی دنیا مغورشان ساخت؛ امروز [قيامت] فراموششان می‌کنیم، همان گونه که دیدار این روزشان را فراموش کردند ... () ... روزی که حق را آوردند؛ آیا شفیعانی برای ما وجود دارد که شفاعتمان کنند؟». (اعراف، آیه ۵۱-۵۲)

(۵۳)

## ۱-۲-تفسیر آیات

روزی که در صور دمیده شود شفاعت هیچ کس کارساز نیست مگر شفاعت بندگان صالح خدا که اجازه‌شان داده و از گفتارشان راضی است.

هیچ کس مالک شفاعت نیست مگر کسانی که نزد خدای رحمان عهد و پیمان دارند، یعنی انبیا و اوصیا و بندگان شایسته خدا که با ایشانند.

شفاعت، همان مقام محمودی است که خداوند به خاتم انبیا (صلی الله علیه و آله و سلم) وعده داده است، و انبیا (علیهم السلام) تنها از کسانی شفاعت می‌کنند که خداوند از شفاعت برای آنان راضی باشد؛ و در همین روز است که مغوروان و کسانی که زندگانی دنیا فربیشان داده درحالی که هیچ شفاعت کننده‌ای ندارند، می‌گویند: آیا برای ما شفیعانی هست که شفاعتمان کند؟. (عسکری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۳۲)

## ۲-۲-فلسفه شفاعت

شفاعت، بسان توبه، روزنه امیدی است برای کسانی که می‌توانند در نیمه راه ضلالت و معصیت، گناهان خویش را ترک کنند و از آن پس، باقیمانده عمر خود را در طاعت خدا سپری نمایند؛ زیرا انسان گناهکار هرگاه احساس کند که در شرایط محدودی (نه در هر شرایطی) می‌تواند به شفاعت شفیع، نایل گردد، سعی می‌کند که این حد را حفظ نماید و گام فراتر ننهد.( سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۵۵)

## ۳-۲-حقیقت درخواست شفاعت

شفاعت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگر شافعان راستین در روز جزا، جز طلب مغفرت از خدا درباره گنهکاران امت چیز دیگری نیست، در این صورت، طلب شفاعت، در واقع طلب دعا از آنان خواهد بود و دعای آنان، در سایه قرب و مقامی که نزد خدا دارند، به هدف اجابت می‌رسد و طبعاً گنهکار مشمول مغفرت خدا می‌گردد. از طرفی، درخواست دعا از برادر مؤمن و فراتر از آن، از نبی گرامی کوچک ترین اشکالی ندارد، اگر ما می‌گوییم: «یا وجوهیاً عند الله، اشفع لنا عند الله»، یعنی ای کسی که در پیشگاه خدا جاه و مقامی داری، در نزد خدا درباره ما شفاعت کن (دعا کن خدا گناه ما را ببخشد یا حاجت ما را برآورده کنند».( سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴)

## ۳-شرط شفاعت

در آیات قرآن شرائط مختلفی درباره شفاعت ذکر شده که از همه مهمتر اذن و اجازه پروردگار بود، مسلماً کسی که امید و انتظار شفاعت دارد، باید این اذن و اجازه را به نحوی فراهم سازد، یعنی کاری انجام دهد که محبوب و مطلوب خدا است.

در بعضی از آیات آمده است که در قیامت شفاعت تنها برای کسانی مفید خواهد بود که خداوند رحمان اجازه برای شفاعت او داده و از گفتار او راضی است.(طه، آیه ۱۰)

مقصود از جمله **اللٰهِ الشَّفَاعَةُ** جمیعاً این نیست که خدا شفاعت می‌کند و بس و دیگری حق شفاعت کردن ندارد. زیرا شکی نیست که خدا هیچ گاه درباره کسی نزد کسی شفاعت نمی‌کند.

بلکه مقصود این است که خداوند مالک اصل شفاعت است نه بتها زیرا آن کس مالک شفاعت می‌شود که از عقل و درک و مالکیت چیزی برخوردار باشد و بتهای مورد پرستش آنان فاقد هر دو شرطند چنان که می‌فرماید: «**قُلْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا** ....»

بنابراین، محور بحث آیه این است که خداوند مالک شفاعت است نه بتها، و در هر کس قابلیت و شایستگی دید به او اذن می‌دهد تا درباره افراد شفاعت کند، نه بتها، در این صورت این آیه، ارتباطی به محل بحث ما ندارد زیرا مسلمانان فقط خدا را «مالک شفاعت» می‌داند نه اولیاء را و معتقدند که او به هر کس اذن می‌دهد، او فقط می‌تواند شفاعت کند، نه هر کس و نیز معتقدند به حکم آیات و روایات خدا، به پیامبر اذن داده است که شفاعت کند، از این جهت از او به عنوان یک فرد مأذون (نه مالک شفاعت) درخواست شفاعت می‌نمایند در این صورت سخن چه ارتباطی به مفاد آیه دارد.( سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۲۸۰-۲۸۱)

#### ۴-۱-۲- شفاعت نوعی واسطه‌گری

طبق نظر برخی شفاعت نوعی پارتی بازی و واسطه‌گری است که موجب ضایع شدن حق عده‌ای، و سبب لوث شدن قانون است.

پاسخ:

شفاعت، کمک اولیای الهی به افرادی است که در عین گنه کار بودن، پیوند ایمانی و معنوی خویش را با خداوند و اولیای الهی نگسته‌اند. شفاعت واقعی برای کسانی است که نیروی جهش بهسوی کمال و پاکی در روح و روان آنان باشد. و نورانیت شافعان، وجود تاریک کسانی را که از هیچ‌گونه ویژگی مثبتی برخوردار نیستند، روشن نخواهد کرد.

بنابراین، شفاعت‌های رایج میان مردم (پارتی بازی) با شفاعت در منطق اسلام، تفاوت‌های زیاد دارد، از آن

جمله:

الف) در واسطه‌گری‌های دنیوی فرد گنه کار، شفیع را برمی‌انگیزاند تا با سرپرست فلان بخش تماس بگیرد به دلیل نفوذی که در دستگاه او دارد، وی را وادر کند از تقصیر گنه کار درگذرد و از اجرای قانون در حق او چشم بپوشد. در شفاعت اسلامی، کار دست خدا است و اوست که شفیع را بر می‌انگیزاند. خداوند به دلیل کمال و جایگاه شفیع، به او حق شفاعت می‌بخشد و رحمت و بخاشایش خود را از گذرگاه وی، شامل حال بندگان می‌سازد.

ب) در شفاعت، شفیع از مقام ربوی تأثیر می‌پذیرد، ولی در واسطه‌گری‌های باطل، قدرت برتر سخنان شفیع است و اوست که به خواسته‌های خلاف کار، تن در می‌دهد. به دیگر سخن، در شفاعت‌های عرفی و دنیوی، شفاعت‌کننده، مولا و حاکم را بر خلاف اراده، به انجام کاری وادر می‌کند، ولی در شفاعت الهی، در علم و اراده خداوند هیچ‌گونه دگرگونی پدید نمی‌آید، بلکه تنها مراد و خواسته دگرگون می‌شود ...

ج) جوهر اصلی شفاعت‌های دنیوی، تبعیض در قانون است. بدین ترتیب که نفوذ شفیع بر اراده قانون‌گذار یا مجریان قانون چیره می‌شود و قدرت قانون تنها در برخورد با ناتوانان، نمود می‌یابد. این در حالی است که در شفاعت اخروی هیچ‌کس قدرت خود را بر خدا تحمیل نمی‌کند و نمی‌تواند از اجرای قانون، جلوگیری کند. در حقیقت شفاعت، رحمت گسترده و بخاشایش بی‌پایان خدای مهریان است که به وسیله آن، کسانی را که شایسته‌اند، پاک می‌کند. به همین دلیل گروهی که از شفاعت محروم شده‌اند، سزاوار برخورداری از بخاشایش رحمت گسترده الهی نیستند. و اگرنه در قانون خدا تبعیض وجود ندارد.(رضوانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۶-۳۵۷)

### ۴-۱-۳- شفاعت محرّک معصیت

در نظر عده‌ای، اعتقاد به شفاعت موجب جرأت بر گناه در افراد شده و روح سرکشی را در گناه‌کاران و مجرمان زنده می‌کند، لذا اعتقاد به آن، با روح شریعت اسلامی و سایر شرایع سازگاری ندارد!

پاسخ:

الف) اگر چنین باشد، «توبه» که بخشایش گناهان را در پی دارد، نیز مایه تشویق به انجام دوباره گناه خواهد بود. در حالی که توبه یکی از باورهای اصیل اسلامی و مورد اتفاق مسلمانان است.

ب) وعده شفاعت در صورتی مستلزم تمرّد و عصيان‌گری است که شامل همه مجرمان با تمام صفات و ویژگی‌ها شود و نسبت به تمام انواع عقاب و تمام اوقات آن جاری باشد ...، ولی اگر این امور مبهم و نامعین شد که وعده شفاعت در مورد چه گناهانی و کدام گناه‌کار و در چه وقتی از قیامت است، هیچ‌کس نمی‌داند که آیا مشمول شفاعت می‌شود یا خیر؟ و لذا موجب تشویق بر انجام معاصی نخواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲)

ج) با اندکی اندیشه در آیات قرآن و گفتار پیشوایان معصوم (علیهم السلام) روشن می‌شود که خداوند شرایط ویژه‌ای برای شفاعت قرار داده است. خداوند می‌فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذْنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا؛ در آن روز (قيامت) شفاعت هیچ‌کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است». (طه، آیه ۱۰۱)

همچنین فرموده است: «مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعٍ يُطَاعُ؛ برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد و نه شفاعت‌کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود». (غافر، آیه ۱۸)

نتیجه گیری

شفاعت آن زمان که فرد بالا مقام و مقدس بتواند برای دوستدار و مرید خود واسطه شود تا او را هم جوار خود کند هم چون روز قیامت که ائمه معصومین (علیه السلام) و شهداء و صلحاء می‌توانند از خطای بعضی بندگان با اجازه خداوند بگذرند و شفیع او شوند تا خداوند آن‌ها را ببخشاید؛ شفاعت از ضروری ترین مسائلی اعتقادی دین اسلام است که خود آداب و شرایطی دارد و این که در قرآن از شفاعت و شفیع یاد شده تاییدی بر این سخن است که فلسفه و حقیقت شفاعت مسئله‌ای حائز اهمیت است و شناخت و بصیرت نسبت به آن به این دلیل که شباهات وارد شده از سوی وهابیت را شناخته و بتوان به نحو احسن آن‌ها را خنثی کرد.

## منابع و مأخذ

## \*قرآن

### الف: کتب فارسی

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه، بی چا، ۱۳۷۷.
- ۲- رضوانی، علی اصغر، شیعه شناسی و پاسخ به شباهات، ج ۲، تهران، مشعر، بی چا، ۱۳۸۲.
- ۳- سبحانی، جعفر، سیمای عقاید شیعه، مترجم جواد محدثی، تهران، معشر، بی چا، ۱۳۸۶.
- ۴- -----، شیعه پاسخ می دهد، تهران، مشعر، بی چا، ۱۳۸۶.
- ۵- -----، آیین وهابیت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا، ۱۳۶۴.
- ۶- -----، راهنمای حقیقت، تهران، معشر، بی چا، ۱۳۸۷.
- ۷- عسکری، مرتضی، عقاید اسلام در قرآن کریم، محمد جواد کرمی، ج ۲، بی چا، مجمع علمی اسلامی، بی چا، ۱۳۷۸.
- ۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، قم، نشر صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۶.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی چا، ۱۳۸۶.

### الف: کتب عربی

- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، بی چا، ۱۴۱۲.
- ۱۱- صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، محمد علی حسنی، بیروت، دارالمفید، بی چا، ۱۴۱۴ق.
- ۱۲- طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی چا، ۱۳۷۴.